

فرید قادرپناه، نویسنده و کارگردان  
 «درخت شیشه‌ای آلمان» در گفت‌وگو با «ایران»:

## تئاتر تفریح نیست، شغل ماست



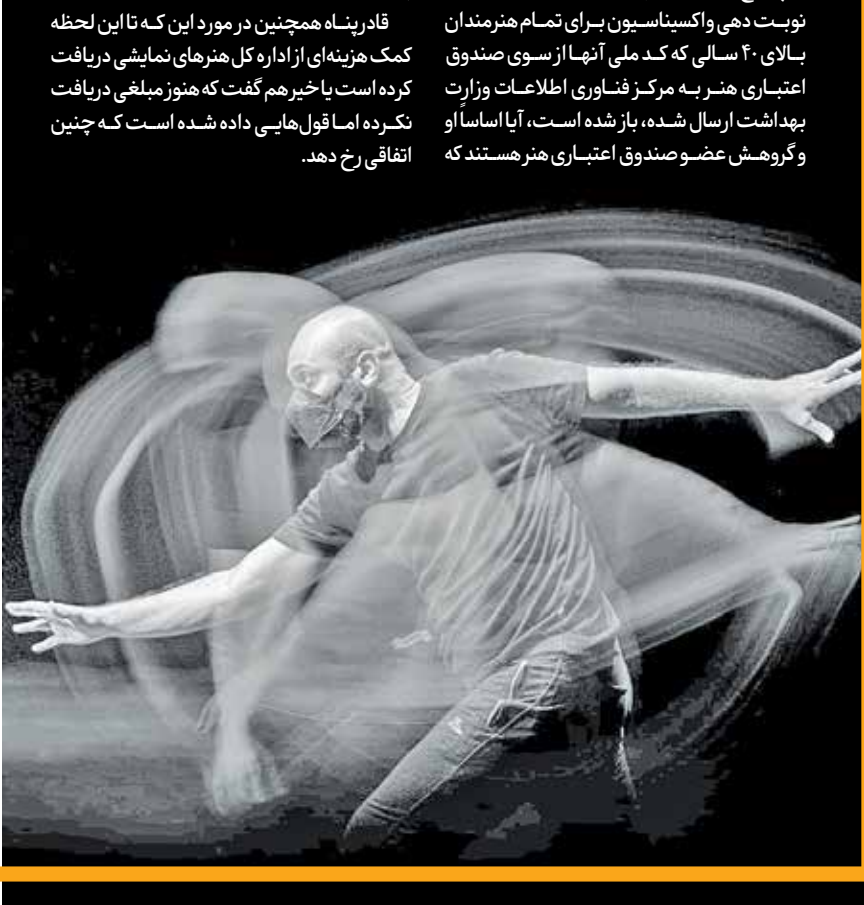
«درخت شیشه‌ای آلمان» نام نمایشی است به نویسندگی و کارگردانی فرید قادرپناه، با بازی کاوه مرحمتی، آذین نظری، آیدین بهاری، کامیار دریاکناری و سحر خرم‌نژاد که از روز پنجشنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۰ شهرپور در عمارت نوفل‌لوشاتو روی صحنه خواهد بود.

در خلاصه داستان «درخت شیشه‌ای آلمان» آمده است: «کتابی به دست یک زوج جوان و عاشق می‌رسد که صفحه اول آن نوشته شده: «بعد از ورق زدن این صفحه زندگی شما تغییر خواهد کرد. لطفاً با احتیاط ورق بزنید.» نمایشی با داستانی سوررئال و شیوه اجرایی رئال، یک زندگی عادی که دچار تحولی غیرعادی می‌شود.» قادرپناه در خصوص زمان نگارش این متن به روزنامه ایران می‌گوید: «تیر ۱۳۹۹ بود که شروع به نگارش متن «درخت شیشه‌ای آلمان» کردم. ایده شکل‌گیری آن نیز وقتی شکل گرفت که سالن جدید تماشاخانه نوفل‌لوشاتو در حال ساخت بود و مدیریت تماشاخانه تمام تلاشش را کرد تا درخت‌های موجود در ملک را حفظ کند. یکی از این درختان در انتهای سالن نمایش بود و همین درخت باعث نوشته شدن «درخت شیشه‌ای آلمان» شد.» او با اشاره به درختی که نقطه شروع «درخت شیشه‌ای آلمان» را شکل داد، می‌افزاید: «این اتفاق اساساً پیش از آن رخ داد که به داستان فکر کرده باشم. یکی از دغدغه‌های من این است که آیا سرانجام می‌توانم متنی عاشقانه بنویسم یا نه؟ و هر چند در «درخت شیشه‌ای آلمان» هم نتوانستم اما شروع ماجرا اینگونه بود که گمان کردم این درخت می‌تواند مفهوم خوب برای نوشته شدن چنین طرحی باشد.»

قادرپناه در پاسخ به این سؤال که آیا به زعم خودش نتوانسته است «درخت شیشه‌ای آلمان» را به متنی عاشقانه نزدیک کند و به عقیده بازیگرانش چنین اتفاقی رخ داده است یا خیر هم توضیح می‌دهد: «نه چون اساساً فضا عوض شد. بسیار دوست دارم کاری لطیف، شاعرانه و عاشقانه با چفت‌ویست درست بنویسم اما متأسفانه هنوز موفق نشده‌ام. کاری که گمان می‌کنم بسیار دشوار است و برای من دشوارتر چون نمی‌خواهم از نقاط عطفی مانند جدایی در آن استفاده کنم و

به شکل طبیعی یکی در اولویت بالاتر و دیگری در اولویت پایین‌تر قرار دارد. ■ با اجرای «غارت‌نشینان» در آبان ۱۳۹۸ و «شب جنایتکاران» در مرداد ۱۴۰۰ گمان نمی‌کنم در آینده دیگر هیچ شرایط ناگواری موجب ترس و وحشت‌تان از روی صحنه رفتن شود. با توجه به این که سامانه نوبت‌دهی و اکسیناسیون برای تمام هنرمندان بالای ۴۰ سال که کد ملی آنها از سوی صندوق اعتباری هنر به مرکز فناوری اطلاعات وزارت بهداشت ارسال شده، باز شده است، آیا اساساً شما و گروه‌تان عضو صندوق اعتباری هنر هستید که بتوانید با تغییر بازه گروه سنی و رسیدن نوبت به جوان‌ترها امیدوار به واکنش‌شدن باشید یا خیر؟

نه. احتمالاً می‌دانید که بسیاری از اهالی تئاتر و بخصوص جوانانی که اکنون روی صحنه‌اند، نه سن و سالی دارند و نه از شرایط عضویت در صندوق اعتباری هنر برخوردارند. در واقع تنها با عشق و علاقه است که کار می‌کنند و نه ایده‌ای و تصویری از حمایت دولتی در ذهن دارند و نه اساساً امکان برخورداری از آن را. این نکته‌ای بود که قادر آشنا، مدیرکل هنرهای نمایشی هم در گفت‌وگویی به آن اشاره کرد و گفت پیشنهادش به صندوق نمایشی که اثری روی صحنه دارند و همین‌طور گروه‌هایی که تا شهریورماه در نوبت اجرا هستند، همراه با سالن‌داران در اولویت و اکسیناسیون قرار بگیرند. اتفاقی که متأسفانه رخ نداد و با قید «عضویت در صندوق اعتباری هنر» عملاً بسیاری از جوانان فعال حوزه تئاتر که عمیقاً در مواجهه با ویروس کرونا هستند از این دسته‌بندی کنار گذاشته شدند. جوانانی که روی صحنه نه می‌توانند ماسک بزنند و نه می‌توانند فاصله اجتماعی را رعایت کنند و فاصله‌شان با تماشاگر حاضر در سالن هم فاصله ایمن نیست.



مهدی محبعلی (سهاب)، کارگردان  
 «شب جنایتکاران» در گفت‌وگو با «ایران»

## همان طور که به واکسیناسیون نیازمندیم، به تئاتر هم نیاز داریم



ترکس کیانی  
 خبرنگار

«شب جنایتکاران» نام نمایشی است به نویسندگی خوزه ترینا، نویسنده کوبایی با ترجمه و کارگردانی مهدی محبعلی (سهاب) و بازی شیرین عطااللهی، محمدرضا حسن‌زاده، سوگند دیانی و نازی نخجیری که از ۱۲ مرداد در سالن صنوبر پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه رفته است.

در خلاصه داستان «شب جنایتکاران» آمده است: «داستانی از فروخورده شدن فریادهایی که گاهی آن قدر بلند هستند که شنیده نمی‌شوند. روایتی از یک جنایت زیبا.» و مترجم و کارگردان آن، اثری روانشناختی می‌داندش که چالشی عظیم در تعامل والدین با فرزندانشان را به تصویر می‌کشد. فرزندانی شامل دو خواهر و یک برادر که تصمیم به قتل پدر و مادر خود می‌گیرند و مادر طول نمایش با انگیزه‌های روانی آنها روبه‌رو می‌شویم. آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل گفت‌وگویی است با مهدی محبعلی (سهاب) که نمایشش تا ۱۲ شهریور روی صحنه خواهد بود.

افشارپناه در کارگاه نمایش و یک بار پس از انقلاب در سال ۱۳۷۹ توسط امیر آشنایی در تالار شماره دو (کوچک) مجموعه تئاتر شهر براساس همان ترجمه آزادی‌ور و غریفی روی صحنه رفته است. در ادامه با پیدا کردن متن انگلیسی و ترجمه آن، اقتباسی وفادارانه نسبت به آن انجام دادم و اینگونه شد که کار را آغاز کردم.

تمرینات‌تان از همان زمان آغاز شد؟ تمرین ما از فروردین ۱۴۰۰ آغاز شد و با توجه به این که گمان می‌رفت واکسیناسیون عمومی سرعت بگیرد و مهار بیماری کرونا با سرعت بیشتری انجام شود از پردیس تئاتر شهرزاد برای تیر نوبت اجرا گرفتیم اما بعد از بازبینی توسط اعضای شورای نظارت و ارزشیابی اداره کل هنرهای نمایشی، مجدداً شاهد فرم‌شدن وضعیت کرونا و تعطیلی سالن‌ها از ۱۲ تیر بودیم و اجرای‌مان به تعویق و سرانجام به ۱۲ مرداد افتاد.

■ با توجه به فرار گرفتن متن در حوزه



«شب جنایتکاران» رسیدم. در همان جست‌وجوها متوجه شدم این متن پیش‌تر در ایران به صورت مشترک توسط هوشنگ آزادی‌ور و عدنان غریفی ترجمه شده و یک بار پیش از انقلاب در سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۵۱ توسط آزادی‌ور و با بازی بازیگرانی از جمله مهوش

روانشناختی، شیوه اجرا چگونه است؟ ما در واقع یک تروما را شناسایی کرده‌ایم و آن خشونت خانوادگی است و این تروما را در قالب روایتی با ریتم تند و بازی‌های عصبی به نمایش گذاشته‌ایم. برای خودمان عجیب بود که قتل با یک خرم‌دین توسط پدر و مادرش، هنگامی

■ احتمال خالی‌ماندن سالن در شرایطی که شیوع کرونا همچنان افسارگسیخته است و واکسیناسیون عمومی به کندی پیش می‌رود، نکته‌ای نبود که نگران‌تان کند؟ صادقانه بخواهم بگویم، نه نگرانم نمی‌کند. وقتی من در چنین شرایطی



ما در واقع یک تروما را شناسایی کرده‌ایم و آن خشونت خانوادگی است و این تروما را در قالب روایتی با ریتم تند و بازی‌های عصبی به نمایش گذاشته‌ایم. برای خودمان عجیب بود که قتل با یک خرم‌دین توسط پدر و مادرش، هنگامی